

تبیین عوامل مؤثر بر رفتار اخلاقی زیست محیطی روستائیان از نظر کارشناسان سازمان های جهاد کشاورزی و محیط زیست استان خوزستان

محمد رضا صیدی

دانشجوی دکتری، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ایران

*** مسعود برادران**

دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ایران

مسعود یزدان پناه

دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، خوزستان، ایران

چکیده

عدم پایداری تولید و کاهش امنیت غذایی ماحصل استفاده سودجویانه انسان از ظرفیت‌های طبیعت بوده است. در حیطه حفاظت از محیط‌زیست، رفتاری که انسان از خود به عنوان عامل کلیدی در شکل‌گیری معضلات زیست‌محیطی، بروز می‌دهد، غیر قابل چشم‌پوشی است. بنابراین، هدف پژوهش شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی زیست‌محیطی روستائیان، از نظر کارشناسان سازمان های جهاد کشاورزی و محیط زیست استان خوزستان، با استفاده از روش تئوری بنیانی بود. در این روش، کدگذاری، تکنیک اساسی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها است که فرآیندی سه مرحله‌ای دارد و شامل: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. در مرحله کدگذاری باز، پس از انجام تعداد ۱۰ مصاحبه عمیق با کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست استان خوزستان، از تکنیک "تحلیل سطر به سطر" برای تحلیل یافته‌ها، استفاده شد. سپس جملات و پاراگراف‌ها به مفاهیم شکسته شدند. در مرحله کدگذاری محوری از میان مقولات، تعداد سه مقوله "عوامل سیاسی"، "دیدگاه اخلاقی زیست محیطی" و "عوامل آموزشی" به عنوان مقوله‌های اصلی شناخته شدند. در نهایت، مدل پارادایمی تحقیق، با در نظر گرفتن مقوله‌های اصلی تحت عنوان شرایط علی، بدبینی روستائیان و آموزشگران نسبت به یکدیگر به عنوان شرایط مداخله‌گر، خشکسالی و عدم آیش به عنوان زمینه، ترسیم شد و راهبردهای لازم برای پیاده‌سازی رفتار اخلاقی با محیط‌زیست در میان روستائیان و پیامدهای متناظر آنها تدوین گردید.

واژه‌های کلیدی: رفتار اخلاقی زیست محیطی، امنیت غذایی، استان خوزستان.

مقدمه

در یک نظام کشاورزی استفاده هرچه بیشتر از منابع آب و انرژی، منجر به تولید بیشتر می شود که نتیجه آن، بهبود وضعیت اقتصادی است. بدیهی است که تولید بیشتر، ضایعات بیشتر مانند گاه و گلش را به همراه دارد که اغلب برای مدیریت آن ها از شیوه های سنتی مانند سوزاندن، استفاده می شود. علاوه بر این، تولید بیشتر حجم بالایی از آلاینده ها مانند نیتروژن، نیتروژن آمونیاک، اکسیژن بیوشیمیایی و فسفر را به ارمغان می آورد که احتمالاً به رودخانه ها و دریاچه ها تخلیه می شوند (Li et al, 2018). بنابراین، افزایش تولید و عدم توجه به ظرفیت های طبیعت، علاوه بر این که جایگاه انسان به عنوان نگهبان طبیعت را لکه دار کرده، بلکه عدم پایداری تولید که نشأت گرفته از نگرش سودجویانه است، امنیت غذایی انسان را نیز به خطر انداخته است (عینالی و همکاران، ۱۳۹۵). از آن جا که بشر به منظور تأمین نیازهای خود به تعامل با طبیعت و سایر موجودات زنده وابسته است، در آینده ای نزدیک با این نوع تفکر، بیش از گذشته با چالش های مربوط به تأمین غذا رو به رو خواهد گشت. با توجه به اهمیت امنیت غذایی، بهره بردن بیش از اندازه از نهاده های شیمیایی کشاورزی، لطمات غیرقابل جبرانی را برای محیط زیست و سلامت انسان ها به دنبال داشته است (مکی آبادی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به وجود چنین معضلاتی، امروزه انسان در پی رسیدن به دیدگاهی جامع نگر بوده که علاوه بر میزان تولید، پایداری تولید را نیز مورد عنایت قرار دهد تا ثبات امنیت غذایی نیز حاصل آید. به همین دلیل، مفهوم پایداری در کشاورزی به اندیشه های بشر افزون گشته و اعتلای کشاورزی پایدار به عنوان نگرشی جدید قابل رؤیت است (Moeinaldini, 2007). کشاورزی پایدار نهضتی برای حفظ منابع طبیعی است که اهداف اساسی آن حفظ محیط زیست، سودمندی اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی از طریق استفاده درست از منابع محیط زیست و تقلیل استفاده از مواد شیمیایی است (رضایی و خدایی مطلق، ۱۳۹۶). امروزه در خیلی از مناطق جهان به ویژه ایران، کشاورزی رایج و سنتی که به صورت فشرده انجام می شود، برای دستیابی به اهداف کشاورزی پایدار، مانع غیرقابل انکاری است (دهبوری و فرج اله حسینی، ۱۳۸۸). کشاورزی پایدار بیشتر به دانش و مدیریت کشاورزان وابسته است و برای توفیق آن، دولت به تنهایی راه به جایی نمی برد (کارگر دهبیدی و طرازکار، ۱۳۹۸). با این وجود سیاست گذاری های تدوین شده در رابطه با توسعه پایدار و حفاظت منابع محیط زیست، همچنان اندیشه های سنتی فایده نگر را سر لوحه خود قرار داده که در آن، تخریب منابع، فرآیندی طبیعی در نظر گرفته می شود و از نقش انسان ها در شکل گیری دگرگونی های زیست محیطی، به راحتی چشم پوشی می شود. بنابراین، رسیدن به اهداف حفاظت پایدار، بازاندیشی در این شیوه تفکر و گسیل به اندیشه های معاصر را می طلبد (کریمی و کشاورز، ۱۳۹۴). از آن جا که سیاست های زیست محیطی علاوه بر جامعیت، نیازمند حمایت های اخلاقی در عمل هستند که اساس حفاظت های زیست محیطی است، مبانی تعیین کننده ارتباط انسان با طبیعت به ویژه اخلاق، توجه حامیان محیط زیست را به خود معطوف کرده است. امروزه در سطح جهان، اخلاق به عنوان عامل مؤثری در تعدیل معضلات زیست محیطی، شناخته می شود (Richardson, 2005). مهم ترین عامل در فرآیند تولید کشاورزی، نیروی

انسانی است و رفتاری که از سوی او در رابطه با حفاظت از محیط زیست بروز می دهد، برای رسیدن به کشاورزی پایدار بسیار حیاتی است (Rezaei et al, 2018). رفتار در صورتی بر مبنای اخلاق و اثربخش است که جنبه هایی مانند ذهنیت و نگرش، خطمشی ها و فناوری و ارتباطات بین آن ها، در آن پیش بینی و تبیین گردد (Namdar et al, 2017). در پاسخ به این مسأله که چرا حفاظت از محیط زیست یک مشکل اخلاقی صرف، قلمداد نشده؟ بلکه یک مسأله اخلاقی - علمی است باید اذعان داشت: یک استدلال اخلاقی بدون تأیید تجربی و علمی ممکن است به شکل لفظی متقاعد کننده باشد اما در حیطه عمل، متناسب با واقعیت های جهان پیرامون نبوده و دردی از انسان دوا نمی کند. یک علم اجتماعی خوب علاوه بر این که، لازم است از نظر علمی و تجربی درست باشد، باید به نگرانی ها و نیازهای انسان نیز بپردازد. از طرفی علم واقعی صرفاً موعظه نکرده، بلکه اثبات و پیش بینی می کند. به همین دلیل، گرینگ و یسنوویتز^۱ (۲۰۰۶)، عنوان می کنند که باید الزامات اجتماعی و بین المللی انسان، بر مبنای عدالت و نه علم، تعیین شوند. این چیزی است که آن ها به آن نوبهار هنجاری^۲ می گویند. روزنهد^۳، نیز (۲۰۰۶)، بیان می کند: چشم انداز رایج در خصوص آینده، از آشفتگی به جای ثبات، خبر می دهد. بنابراین در دنیایی که با تغییر مانوس است، باید دوگانگی حقیقت - ارزش، یعنی اهمیت دادن به رابطه آزمایشی در کنار ارزش های هنجاری، در تمامی کارهای تحقیقاتی به ویژه در زمینه علوم رفتاری مورد عنایت واقع شود. در این خصوص منتهی زاده و همکاران (۱۳۹۴)، عنوان داشته اند که سوابق حاکی از آن است که راه حل های فنی نتوانسته اند مانع از زوال روز افزون محیط زیست شوند. امروزه توجه به جنبه اخلاق در کنار سایر جنبه های حائز اهمیت در حفاظت از محیط زیست را می توان نشانه ضرورت توجه توأمان به جنبه نرم افزاری و سخت افزاری در حفاظت از محیط زیست، دانست. نتایج پژوهش دایبل^۴ (۲۰۰۸)، حاکی از آن بود که از اهداف مهم دست اندرکاران کشاورزی، آموزش و ارشاد اقشار مختلف جامعه برای حفاظت از محیط زیست است. از نظر وی بین حیطه عملیاتی برنامه های آموزشی دست اندرکاران و آموزش های زیست محیطی، ارتباط بالایی وجود دارد. اکلیلو و همکاران^۵ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به این نتیجه نائل شدند که روستائیان ممکن است اطلاعات، آگاهی و توان مالی لازم را داشته باشند اما در مورد اخلاق لازم برای به کارگیری فعالیت های متناسب با محیط زیست، با کمبودهایی دست به گریبان هستند. بنابراین، دست اندرکاران می تواند علاوه بر انتقال صرف اطلاعات فنی، به مخاطبان در زمینه مسائل اخلاقی مرتبط با شیوه های تولید و ارتباط آن ها با حفاظت از محیط زیست، اطلاع رسانی کنند. وانگ و همکاران^۶ (۲۰۱۹)، در تحقیق خود درک ضعیف از عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی کشاورزان و عدم وجود یک الگوی مناسب روانشناختی زیست محیطی را علت بد اخلاقی های رایج کنونی در برخورد با طبیعت می دانند. آن ها به این نتیجه

1- Gerring & Yesnowitz

2- normative turn

3- Rosenhead

4- Diebel

5- Aklilu et al

6- Wang et al

رسیدند که به منظور مدیریت و کنترل این بد اخلاقی‌ها به یک رویکرد چند نظمی و جامع نیاز است.

هدف تحقیق

با توجه به مبانی نظری مذکور و حضور تیم پژوهش در منطقه، مشاهده شد که اغلب کشاورزان از دانش، بینش و مهارت‌های کشاورزی سازگار با محیط زیست برخوردار نیستند و با بروز رفتارهای غیر اخلاقی کشاورزی، سلامت خود و مصرف‌کنندگان را به ویژه در منطقه به خطر انداخته‌اند. لذا محققان بر آن شدند که حول این مسأله اساسی که البته مبتلابه سایر مناطق نیز هست، پژوهشی را تدارک ببینند. به همین جهت، هدف پژوهش حاضر تبیین عوامل مؤثر بر رفتار اخلاقی زیست‌محیطی روستائیان از نظر کارشناسان سازمان‌های جهاد کشاورزی و محیط زیست استان خوزستان بود تا در نهایت راهبردهای لازم برای پیاده‌سازی رفتار اخلاقی با محیط‌زیست توسط روستائیان، تدوین و ارائه گردد.

روش پژوهش

تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از لحاظ روش از تئوری بنیانی^۱، استفاده کرده است. منظور از تئوری بنیانی یا نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در خلال پژوهش به صورت منظم گردآوری شده و تحلیل گشته‌اند. در این روش، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نیل به نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط نزدیک هستند. در نظریه زمینه‌ای، پژوهشگر با استناد به نظریه‌ای که پیش از شروع پژوهش در ذهن دارد، کار تحقیقاتی را شروع نمی‌کند بلکه در میدان عمل و عرصه واقعیت، شروع به پژوهش نموده و اجازه می‌دهد تا نظریه از دل داده‌های جمع‌آوری شده، آشکار شود (Struss & Corbin, 2009). در پاسخ به این سؤال که لزوم استفاده از رویکرد کیفی در مطالعات رفتاری چیست؟ می‌توان عنوان نمود: در بیشتر تحقیقاتی که رویکرد کمی را برای مطالعه رفتار کشاورزان، برگزیده‌اند، از مدل‌های تئوریک مانند تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن و مادن^۲ (۱۹۸۶) و تئوری هنجاری شوارتز^۳ (۱۹۷۵)، بهره برده شده که چنین مدل‌هایی، غالباً به جنبه‌های نگرش، قصد رفتاری و هنجارهای ذهنی تأکید می‌کنند، یعنی صرفاً ابعاد روان‌شناختی را مورد توجه قرار می‌دهند. مطالعاتی که در دو دهه اخیر در مورد دانش برقراری ارتباط و دگرگونی رفتار صورت گرفته، اثربخش بودن رفتار را علاوه بر ویژگی‌های روان‌شناختی و فردی، منوط به در نظر گرفتن متغیرهای موقعیتی جامعه مورد مطالعه یعنی موقعیت و عوامل سیاسی، اقتصادی و آموزشی و تعاملات میان آن‌ها می‌داند (نامدار و همکاران، ۱۳۹۶، GreenCom, 2001.).

بسیاری از مردم روستایی خود را حامی محیط زیست می‌دانند، اما بر اساس نگرش‌های مثبت خود، رفتارهای مناسبی در مورد حفظ محیط‌زیست، بروز نمی‌دهند. افراد، برای نیل به رفتار زیست‌محیطی مناسب، به آموزش، نیاز دارند (Englis & Phillips, 2013).

- 1- Grounded Theory
- 2- Ajzen & Madden
- 3- Schwartz

برای ارتقا دانش محلی و ارتباطات اجتماعی که از الزامات رهیافت حفاظت اصولی از محیط زیست محسوب می‌گردند، تلقی می‌شود (محمودی و ویسی، ۱۳۸۴). با توجه به ماهیت مسأله و نیاز به اخذ اطلاعات تخصصی عمیق، گروه پژوهش پارادایم کیفی را بر کمی مقدم دانست. همچنین، کارشناسان با تجربه و خیره به عنوان جامعه آماری (پاسخگویان خاص) انتخاب گردید. بدیهی است می‌توان در آینده دستاوردهای حاصل از پژوهش را به جامعه‌ای وسیع‌تر ارائه و با استفاده از پارادایم کمی، نظر آنان را نیز جویا شد. بنابراین، با توجه به ماهیت ترویجی و آموزشی سازمان‌های محیط‌زیست و جهاد کشاورزی، جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست استان خوزستان بودند که برای جمع‌آوری داده‌ها از آن‌ها از شیوه تئوری بنیانی استفاده شد. برای انتخاب شرکت‌کنندگان تحقیق، از نمونه‌گیری گلوله برقی استفاده شد. پس از ۱۰ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. بعد از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و اطلاعات گردآوری شده، جملات و پاراگراف‌ها به مفاهیم و مقولات شکسته شدند.

تکنیک‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات شامل: «مطالعه‌های اسنادی»، «مصاحبه نیمه ساختار یافته»، «یادداشت‌برداری میدانی» و «ثبت صوتی» بود که در خلال مصاحبه‌ها، انجام پذیرفت. معمولاً در پژوهش‌های کمی، تعداد نمونه‌ها در نمونه‌گیری مورد عنایت واقع می‌شوند. اما در پژوهش کیفی، نمونه‌گیری آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا اشباع نظری حاصل گردد. به بیان دیگر، گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که اطلاعات افزون‌تر، مفاهیم، مقوله‌ها و خرده مقوله‌های جدیدی را به ارمغان نیاورد. با این‌که رسیدن به اطمینان صد درصدی دور از ذهن به نظر می‌آید، اما پژوهشگر تلاش می‌کند تا خود و خوانندگان متقاعد شوند که چیزی نادیده انگاشته نشده و همه نکات، در نظر گرفته شده‌اند (Struss & Corbin, 2011). محقق همزمان که به داده‌اندوزی مبادرت می‌ورزد به شکل پیوسته‌ای به عقب باز می‌گردد و دوباره پرسش‌گری می‌کند تا مجدداً بر مبنای پرسش‌های متناسب‌تر به جمع‌آوری داده‌های بیشتر ناآید و سرانجام به مرحله‌ای برسد که توضیح نظری پدیده، موجب رضایت نسبی شود (Kempster & Parry, 2011).

در روش نظریه بنیانی، کدگذاری، تکنیک اساسی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها است که فرآیندی سه مرحله‌ای دارد و شامل: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. بعد از فرآیندهای کدگذاری و دستیابی به مدل نظریه‌ای، تشریح عناصر ضمن عنایت به مقوله هسته‌ای صورت می‌گیرد. پژوهشگر در این مرحله اجازه دارد دوباره به مقوله‌ها رجوع و جزئیات از قلم افتاده را لحاظ نماید. به اعتقاد کوربین و استروس این کار به دلیل دادن «تراکم مفهومی» به نظریه و افزایش «خاصیت مفهومی»، ضروری است. (Azkia, et, a., 2011., Ruan, & Zhou, 2019).

کدگذاری باز

با استفاده از تکنیک تحلیل سطر به سطر، مصاحبه‌ها تحلیل شدند، سپس به تحلیل جملات و پاراگراف‌هایی که از تحلیل سطر به سطر حاصل شده بودند، پرداخته شد. سرانجام، مفاهیم از دل جملات و پاراگراف‌ها، بیرون آمدند. مفاهیم از نامگذاری پدیده‌ها حاصل می‌آیند و منظور از آن این است که پژوهشگر

بتواند رویدادها و اتفاقاتها و اشیاء مشابه را تحت یک عنوان یا رده قرار دهد (Swendiman et al, 2019). مفاهیم استخراج شده از داده‌ها در جدول (۱)، نشان داده شده‌اند. پس از رسیدن به تعداد زیادی مفهوم، تحلیل‌گر مفاهوم‌ها را زیر یک مفهوم جامع‌تر، قرار می‌دهد. این مفهوم جامع‌تر مقوله نام دارد (Ruan, & Zhou, 2019).

کدگذاری محوری

ارتباط دادن مقوله‌ها با زیر مقوله‌ها، در کدگذاری محوری اتفاق می‌افتد. مرحله کدگذاری محوری، با مشخص کردن مفاهوم‌ها و مقوله‌ها، آغاز می‌شود. در این مرحله محقق به منظور ایجاد نظریه، مقوله‌ها را در نظامی منطقی قرار می‌دهد (Azkia et al., 2011). در این مرحله ضمن مشخص شدن ارتباط میان مقوله‌ها، پدیده در متنی که واقعه در آن در حال اتفاق افتادن است، جای می‌گیرد. در واقع تحلیلگر قصد دارد ساخت (زمینه) را به فرآیند مربوط سازد. برای درک ماهیت پویا و در حال تغییر رویدادها مطالعه ساختار و فرآیند، لازم است (Swendiman et al, 2019).

همان‌گونه که در جدول (۱) رؤیت می‌شود، در این تحقیق، از میان مقوله‌های استخراج شده، سه مقوله «عوامل سیاسی»، «دیدگاه اخلاقی زیست محیطی» و «عوامل آموزشی» به دلیل تکرار و اهمیت زیاد، به‌عنوان مقوله‌های اصلی و چهار مقوله تحت عناوین مسائل زمینه‌ای، فنآوری و دانش بومی و عوامل اقتصادی به دلیل ماهیت زمینه‌ای و در عین حال قابلیت مرتبط شدن با مقولات دیگر، به عنوان مقولات فرعی قلمداد گشتند. همان‌طور که مشاهده می‌شود مفاهیمی که در زیر هر یک از مقوله‌ها جای گرفته، با مفاهیم و حتی مقوله‌های دیگر ارتباط داشته و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد.

مرحله سوم: کدگذاری انتخابی

فرآیندی منسجم‌کننده که طی آن «مقوله هسته‌ای» گزینش می‌شود، کدگذاری انتخابی نام دارد. در این مرحله داده‌های خرد شده به مفاهیم و مقوله‌ها در کدگذاری باز، به شیوه‌های جدید به یکدیگر پیوند خورده تا ارتباط‌های میان یک مقوله و مقولات فرعی‌اش ساخته شوند (Kempster & Parry, 2011).

یافته‌ها

در قالب جدول زیر، سعی شده است از دل صحبت‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان، به عوامل تأثیرگذار بر شرایط زیست محیطی منطقه، پی برده و به دسته‌بندی آن‌ها پرداخت. به عنوان مثال، تنزل حاصلخیزی خاک که ناشی از خشکسالی است و عدم آیش که در جدول زیر، به عنوان عوامل زمینه‌ای از آن‌ها یاد شده است، از منظر تأثیرات زنجیرواری که بر یکدیگر و طبیعت دارند در ادامه به شکل خلاصه ارائه شده‌اند. کاهش تدریجی حاصلخیزی خاک سبب می‌شود کشاورزان در استفاده از کودها (میزان و دفعات)، زیاده‌روی کنند. جهت مبارزه با این رفتار غیر اخلاقی توسط کشاورزان، لازم است به آن‌ها آموزش داده شود تا ابتدا ترکیبات خاک زراعی خود را با کمک کارشناسان خاکشناسی تعیین و با توجه به وضعیت خاک از کودها استفاده نمایند تا کمتر محیط زیست آلوده شود. متأسفانه کشاورزان به دلیل نیاز به درآمد بیشتر، از آیش استفاده نمی‌کنند و به همین دلیل خاک بسیار سریع فرسوده می‌شود و نیاز به تقویت دارد. این فشار بیش از حد به منابع طبیعی یک رفتار غیر اخلاقی در کشاورزی محسوب می‌شود. آموزش کشاورزان برای رعایت تناوب زراعی و در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای آن‌ها برای پذیرفتن آیش گذاشتن زمین، اهمیت مقوله عوامل آموزشی به عنوان یکی از مقولات کلیدی استخراج شده در پژوهش را به خوبی نشان می‌دهد.

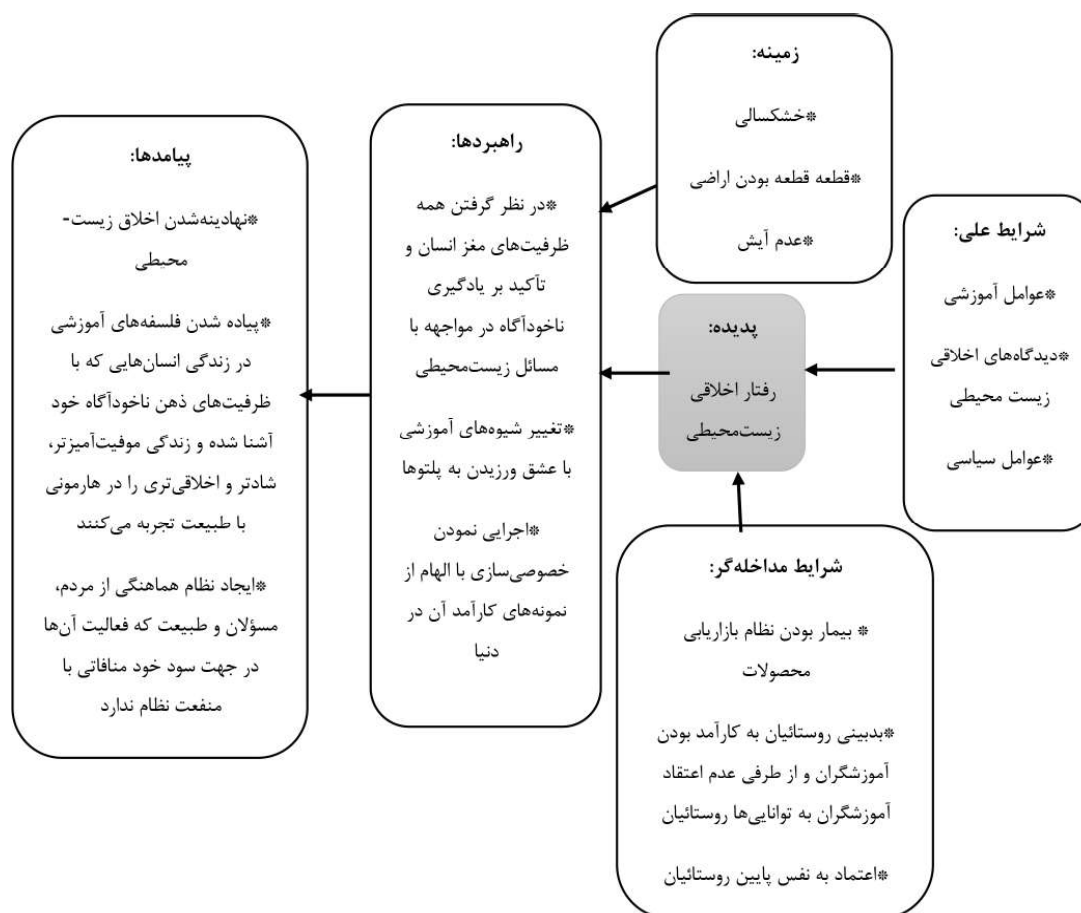
جدول (۱) - مفاهیم و مقولات استخراج شده

ردیف	کدگذاری باز	فراوانی	مقوله‌های محوری
۱	خشکسالی. قطعه قطعه بودن اراضی. کشت تک محصولی. عدم تناسب تکنولوژی با ویژگی‌های منطقه. کم بودن سرانه زمین زراعی. کاهش تدریجی حاصلخیزی خاک در سال‌های اخیر به دلیل استفاده نامناسب. عدم آیش.	۷	مسائل زمینه‌ای
۲	درآمد کم کشاورزان. بالا بودن هزینه آموزش‌های روستائیان که اغلب با کارایی پایین و عدم تمایل روستائیان به ادامه حضور در آن‌ها همراه است. وابستگی به درآمد زمین. عدم ثبات در ارزش اقتصادی محصولات. عدم آیش به دلیل نیاز مالی. هزینه بالای تکنولوژی‌های سازگار با طبیعت. افزایش استفاده از سموم به منظور بالا بردن کمیت محصول.	۷	عوامل اقتصادی
۳	ناتمام رها کردن آموزش روستائیان از سوی مسئولان به دلیل نداشتن نمود آئی. استفاده از شیوه‌ها و ویژگی‌های آموزش رسمی برای آموزش روستائیان. بدبینی روستائیان به کارآمد بودن آموزشگران و محتوای مطالب آموزشی. ضعف ارتباطات و اطلاعات. نامتوازن بودن دسترسی به آموزش‌ها برای همه روستائیان. بی‌اعتنایی و عدم اعتقاد آموزشگران به توانایی‌ها، دانش و باورهای اخلاقی روستائیان. آموزش‌های نامتناسب و ناکافی رسانه‌های گروهی. اعتماد به نفس پایین روستائیان برای شرکت و استفاده بهینه از آموزش‌ها به دلیل سطح تحصیلات پایین.	۸	عوامل آموزشی

ادامه جدول (۱) - مفاهیم و مقولات استخراج شده

ردیف	کدگذاری باز	فراوانی	مقوله‌های محوری
	بی اعتمادی روستاییان به توصیه‌های آموزشی کارشناسان به دلیل مغایرت با سود آنی اکثر فعالیت‌های کشاورزی. اعتقاد به دیر بازده بودن فعالیت‌های زیست محیطی. اعتقاد به الزامی بودن مصرف سموم. ارزشی قلمداد کردن تسلط بر رفتارهای زراعی رایج مانند نوع کشت و در نتیجه مقاومت در برابر تغییر آن‌ها.	۱۰	دیدگاه اخلاقی زیست‌محیطی
۴	بی اعتمادی به دولت. ناکارآمد دانستن کارشناسان. داشتن دیدگاه اخلاقی زیست محیطی در میان برخی از روستاییان و مثلاً بازگرداندن بقابای گیاهی به زمین. دیدگاه کوتاه مدت در تعداد زیادی از روستاییان و آتش زدن بقابای گیاهی. درک ناقص و متناقض مسئولان از نیازهای روستاییان. اشتیاق و انگیزه پایین روستاییان. متناسب نبودن تکنولوژی‌ها با شرایط منطقه.		
۵	ناکارآمد تلقی کردن همه تکنولوژی‌ها از جانب روستاییان به دلیل تجارب منفی گذشته در برخورد با تکنولوژی‌های ناسازگار با شرایط منطقه. قیمت گزاف اعمال تکنولوژی‌های پایدار مانند آبیاری تحت فشار. اعتقاد به ارزش اجتماعی بودن زنده نگه داشتن سنت‌های پیشینیان خود در برخورد با زمین مانند شیوه کشت.	۳	فناوری
۶	ارجعیت دانش بومی برای روستاییان نسبت به توصیه‌های کارشناسان و آموزشگران. تأثیرپذیری بالا از هم‌نوعان. عدم اشتیاق و انگیزه دولت و مسئولان به منظور سرمایه‌گذاری در ارائه آموزش‌های متناسب، به‌روز و اصولی در زمینه اشاعه رفتارهای اخلاقی در برخورد با محیط زیست. اختصاص بودجه ناچیز به منظور مدیریت مسائل زیست محیطی. صرف بودجه اختصاص یافته به برنامه‌های نامتناسب با نیازهای روستاییان به دلیل درک متفاوت و نادرست مسئولان از روستاییان. بی توجهی دولت به ارائه برنامه‌های آموزشی به دلیل کارایی پایین برنامه‌های گذشته.	۳	دانش بومی
۷	فقدان نهادی که ایجاد قوانین زیست محیطی و نظارت بر اجرای آن‌ها را برعهده داشته باشد، به وضوح به چشم می‌آید، به دلیل عدم واگذاری مسئولیت‌ها به بخش خصوصی و از طرفی حجم بالای مسئولیت‌ها و دغدغه‌های دولت. عدم کفایت و کارایی اقدامات بخش خصوصی. اولویت‌دهی پایین به مسائل زیست‌محیطی توسط دولت و مسئولان. برنامه‌ریزی و مدیریت نامشخص و با کارایی پایین. بی تفاوتی هر دوی بخش دولتی و بخش خصوصی به مشکلات و مسائل روستاییان و محیط زیست منطقه. بیمار بودن نظام بازاریابی محصولات که ارمغان آن بی ثباتی و عدم تضمین برای روستاییان است.	۱۰	عوامل سیاسی

به دلیل این‌که هنگام کار با داده‌ها، روابط میان رویدادها چندان آشکار نیست، چرا که ارتباط بین مقوله‌ها اغلب تلویحی و ضمنی است، در اختیار داشتن طرحی که با استفاده از آن سامان دادن به ارتباطات ایجاد شده، میسر شود، الزامی است. این طرح، پارادایم نام دارد (Swendiman et al, 2019). بنابراین، از یک "مدل پارادایمی" برای برقراری ارتباط بین یک مقوله و مقولات فرعی‌اش، استفاده شد. این مدل پارادایمی دربرگیرنده پدیده مورد بررسی، شرایط علی، زمینه‌ای که پدیده در آن اتفاق می‌افتد، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای ممکن و پیامدهای متصور برای این راهبردها، است.



شکل ۱- مدل پارادایمی رفتار اخلاقی زیست محیطی روستائیان

عوامل آموزشی به دلیل تأثیری که در شکل گیری دیدگاه های انسان و جهت دهی به خط مشی ها و نوع مدیریتی که او در سطح کلان بر می گزیند؛ دارد، دو عامل دیگر را نیز متأثر از خود کرده و در برمی گیرد. در این خصوص، دی آندا و کونتی^۱ (۲۰۱۸) و موئیلر^۲ (۲۰۱۷)، اذعان می دارند، ذهن ناخودآگاه انسان، بخشی که انسان در رابطه با آن آگاه نیست، بخشی که از کلمات استفاده نمی کند بسیار هوشمندانه تر از ذهن ناخودآگاه او است. هر کسی این تجربه را داشته است که با مشکلی رو به رو شده و موجهی از افکار و استرس و نگرانی او را احاطه کرده است. در چنین شرایطی او سعی می کند که مشکل را حل کند اما نمی تواند و پس از مدتی خسته و درمانده شده و تلاش برای حل آن مشکل را متوقف می کند سپس به رختخواب می رود یا قصد تماشای یک فیلم را دارد یا هر فعالیت دیگری که او را از فکر کردن راجع به آن مشکل دور کند و درست زمانی که در رابطه با آن مشکل فکر نمی کند، یک راه حل عالی و بکر به ذهنش خطور می کند. در واقع این ذهن ناخودآگاه او است که چنین راه حلی را به او ارائه کرده است! این نوع از هوش، هوش ناخودآگاه، قدرتمندترین نوع هوش است.

فکر کردن در رابطه با چیزها با استفاده از کلمات یا فکر کردن خودآگاه، بسیار محدود کننده است و انسان تنها می تواند عملکرد کوچک و محدودی با استفاده از آن از خود نشان دهد اما با این وجود انسان همواره بیشترین تمرکز را بر روی این نوع از تفکر داشته است. از این رو، به منظور پرورش آن با سرمایه گذاری های کلان، نظام آموزش رسمی در مدارس را بر پایه یادگیری و تفکر خودآگاه بنا نهاده است. به همین دلیل است که انسان از کودکی با صرف انرژی زیاد تقلا می کند که در رابطه با بخش های کوچک هر چیز فکر کند، تجزیه و تحلیل انجام دهد (Mas-Tur et al, 2015). با توجه به نتایج پژوهش می توان گفت از آن جا که روش های آموزشی که در میان روستائیان برای دستیابی به رفتار اخلاقی زیست محیطی استفاده می شود مبتنی بر نظام آموزش رسمی طراحی شده اند، از کیفیت و جامعیت لازم برخوردار نیستند.

در رابطه با علت کارایی پایین نظام آموزشی و البته بدمبینی آموزشگران و مخاطبان به آن، رومان و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، تصریح نموده اند که برای همه به کرات اتفاق افتاده است که یادگیری چیزی را آغاز می کنند و در ابتدا با سرعت خوب و رضایت بخشی پیشرفت خود را احساس می کنند اما بعد از مدتی این احساس که سرعت پیشرفت و یادگیری کند شده یا حتی متوقف شده

1- DeAnda & Conti

2- Moeller

3- Roman et al

حاضر نیز شناسایی شدند. گرین‌کام^۲ (۲۰۰۱)، در مدل رفتار اثربخش خود مداخلات سیاسی و فناوری را به عنوان عوامل کلیدی برای دستیابی به رفتار اثربخش معرفی می‌کند که با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. یافته‌های تحقیق نامدار و همکاران (۱۳۹۶) که نقش نگرش زیست‌محیطی، عوامل آموزشی، موقعیت اقتصادی و فناوری را در دستیابی به رفتار زیست‌محیطی مناسب در ارجحیت می‌دانستند، نیز با مقولات شناسایی شده در پژوهش حاضر هم‌راستا بود.

درواقع پارادایم با طبقه‌بندی مجموعه عوامل مؤثر بر رفتار اخلاقی زیست‌محیطی تحت عناوینی چون عوامل زمینه‌ای (مثلاً خشکسالی)، عوامل مداخله‌گر (مثلاً بیمار بودن نظام بازاریابی محصولات)، مقولات اصلی و فرعی، در نهایت، تکه‌های پازل بروز رفتار زیست‌محیطی از سوی فرد را در اختیار ما قرار می‌دهد. اما یافتن رابطه منطقی میان این تکه‌ها و قرار دادن آن‌ها در جای درست خود (درک و تفسیر درست یافته‌ها) به تحلیل همه این اجزا وابسته است. به همین دلیل در این پژوهش، جای خالی راهبردها (تدابیری که در شرایط وقوع پدیده باید اندیشیده شود) و پیامدهای حاصل از چنین راهبردهایی، به نحوی که در شکل شماره یک می‌بینید، پر شده است.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردند:

- کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی با توجه تمامی کشاورزان موجبات تصمیمات گروهی را در زمینه مدیریت تلفیقی آفات و تولید محصولات سالم فراهم آورند زیرا ممکن است تعدادی از کشاورزان از توصیه‌های کارشناسان جهت عدم استفاده از سم و کود شیمیایی یا کاهش تدریجی این موارد تبعیت نکنند. در چنین حالتی عمل‌رأسازی پارازیت‌ها و سایر فعالیت‌های کشاورزی اخلاقی، بیهوده خواهد بود. چنانچه گروه کشاورزان توصیه‌ای را بپذیرند، تمامی افراد می‌بایست از این تصمیمات تبعیت کنند. در واقع تصمیمات فردی به تصمیمات جمعی تبدیل خواهد شد. در چنین وضعیتی آموزش اصول و روش‌های کشاورزی اخلاقی، کاربردی‌تر خواهد بود.

- کارشناسان، کشاورزان را تحریک نمایند تا از کشت‌های تک محصولی که محیط زیست را با تهدید رو به رو می‌سازد، خودداری کنند. کشت‌های تک محصولی کشاورزان را وادار به استفاده مکرر و وسیع از سموم و کودهای شیمیایی می‌نماید در صورتی که در کشت‌های مخلوط، زنجیره غذایی بر هم نخورده و از طغیان حشرات به صورت آفت جلوگیری می‌شود.
- استفاده از رسانه‌های آموزشی بومی و سنتی مورد توجه و علاقه کشاورزان جهت نهادینه‌سازی رفتار اخلاقی در کشاورزی. برای مثال استفاده از روش پرده‌خوانی توصیه می‌شود.

- با توجه به پارادایم حاصل از پژوهش در خصوص رفتار اخلاقی زیست‌محیطی روستائیان، توصیه می‌شود نظام ترویج کشاورزی از آموزشگران باتجربه و مسلط به مباحث عملی اخلاق در کشاورزی جهت آموزش روستائیان استفاده نماید تا بدبینی روستائیان نسبت به کارآمد نبودن آموزشگران کاهش یابد. توصیه می‌شود آموزشگران از دانش بومی روستائیان در زمینه فعالیت‌های اخلاقی کشاورزی استفاده نموده و به

است به شکل ملموس و آزاردهنده‌ای بر انسان غالب می‌شود. با وجود این که به همان میزان که در ابتدا مطالعه کرده و تلاش و ممارست داشته اکنون نیز در حال صرف زمان و انرژی هست، اما نتایج ناامیدکننده است. به این به اصطلاح توقف و کند شدن یادگیری، پلتو گفته می‌شود. بیش‌تر افراد در برخورد با چنین تجربه‌ای به سرعت دل‌سرد شده و دست از تلاش برداشته و فرآیند یادگیری را رها می‌کنند. اما عده‌ای از افراد نیز با وجود گرفتن بازخورد نامناسب دست از تلاش برنداشته و به فرآیند یادگیری ادامه می‌دهند این افراد بعد از مدتی ناگهان با یک جهش و پیشرفت یادگیری دیگر با همان سرعت اولیه و حتی سریع‌تر رو به رو می‌شوند. این برخوردهای ناگهانی با پلتوها و جهش‌ها در فرآیند یادگیری به طور مداوم در حال رخ دادن است. درواقع این فرآیند طبیعی یادگیری است. با استاد به آن چه گذشت اکنون می‌توان دلیل بدبینی روستائیان و رفتار بیشتر آنان نسبت به ترک دوره‌های آموزشی را بهتر درک کرد و توضیح داد.

مقوله هسته‌ای، به عنوان پدیده در نظر گرفته می‌شود. در کدگذاری انتخابی، بازگو کردن سناریوی پژوهش، مشخص نمودن مقوله هسته‌ای و یافتن ارتباط آن با سایر مقوله‌ها در چارچوب مدل پارادایمی، انجام می‌گیرد. دلایل گزینش مقوله مرکزی شامل: قابلیت جذب سایر مقوله‌ها، مرکزیت در ارتباط با دیگر مقوله‌ها، تکرار زیاد پدیدار شدن مقوله در داده‌ها، قابلیت تغییر بسته به شرایط و پیامدها (Struss & Corbin, 2009). از این رو در پژوهش حاضر مؤلفه رفتار اخلاقی زیست‌محیطی روستائیان به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد و سایر اجزای مدل پارادایمی به نحوی که در شکل ۱، به تصویر کشیده شده، حول آن قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

ارتباط متقابل ساختار و فرآیند در پارادایم نشان داده می‌شود. اما پارادایم قادر نیست آن‌چه که در عمل بین پدیده‌ها و مقوله‌ها در شرایط پژوهش اتفاق می‌افتد و راهبردهای متصور برای آن‌ها را تشریح نماید. پارادایم نمی‌تواند تکه‌های پازل وقایع و پدیده‌ها را به هم بچسباند و تصویری یکپارچه از آنچه در جریان است عرضه کند. بنابراین لازم است بعد از فرآیند کدگذاری و ظهور پدیده و مقوله‌های تحقیق، همه این موارد، مورد تحلیل قرار گیرند (Struss & Corbin, 2011).

تحلیل عناصر مدل پارادایمی حکایت از آن دارد که رفتار اخلاقی زیست‌محیطی کشاورزان به عنوان مقوله هسته‌ای توسط شرایط علی یعنی «عوامل سیاسی»، «عوامل آموزشی» و «دیدگاه اخلاقی زیست‌محیطی» تا حدود زیادی تبیین می‌گردد. نگرش زیست‌محیطی و متغیرهای موقعیتی عواملی هستند که کلاکتر و بلوبائوم^۱ (۲۰۱۰)، در مدل جامع عملکرد خود به عنوان عوامل تبیین‌کننده رفتار زیست‌محیطی شناسایی کرده‌اند. جوکار و میردامادی (۱۳۸۹)، نیز در پژوهش خود نقش علاقه و نگرش به مسائل زیست‌محیطی را برای دستیابی به حفاظت از محیط‌زیست، مورد تأکید قرار داده‌اند. منتی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به نقش دیدگاه‌های زیست‌محیطی زارعان در رفتار اخلاقی با محیط‌زیست، تأکید داشتند. عواملی که تحت عنوان مقوله‌های اصلی در پژوهش

- دانش تجربی آن ها احترام بگذارند.
- در تمامی طرح های پژوهشی و اجرایی بخش کشاورزی، ملاحظات زیست محیطی مورد توجه واقع شوند.
- کشاورزانی که اصول کشاورزی اخلاقی را رعایت می کنند (تناوب زراعی، آیش زمین، نسوزانیدن کاه و کلش پس از برداشت و ...) به صورت معنوی و مادی مورد حمایت و تشویق قرار گیرند.
- از تکنولوژی های دوستدار طبیعت و حافظ محیط زیست در عملیات کشاورزی استفاده گردد.
- ### منابع و مآخذ
- ۱- جوکار، گ. و میردامادی، م. (۱۳۸۹). دیدگاه دانش آموزان دبیرستان های شهرستان شیراز نسبت به حفاظت از محیط زیست. مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۱، صص ۱-۱۴.
 - ۲- ده یوری، س.، و فرج اله حسینی، س. ج. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تولید و پذیرش محصولات نانو فناوری بر کشاورزی پایدار از دیدگاه محققان کشاورزی. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۹، شماره ۲، صص ۲۰-۱۱.
 - ۳- رضایی، م. و خدایی مطلق، م. (۱۳۹۶). بررسی میزان آگاهی، نگرش و رفتار دانشجویان کشاورزی درباره توسعه پایدار. علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۱۹۵-۱۸۱.
 - ۴- عینالی، ج.، کاظمی، ن.، چراغی، م. و رابط، ع. ر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر آگاهی و عملکرد زیستی کشاورزان در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ارومیه). علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۸، ویژه نامه شماره ۲، صص ۳۹۵-۴۰۵.
 - ۵- کارگر ده بیدی، ن. و طرازکار، م. ج. (۱۳۹۸). اثر سالخوردگی جمعیت بر آلودگی زیست محیطی در ایران. علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۱۰۹-۹۷.
 - ۶- کرمی، ع. و کشاورز، م. (۱۳۹۴). ابعاد انسانی حفاظت از منابع طبیعی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۱.
 - ۷- محمودی، ح. و ویسی، ه. (۱۳۸۴). ترویج و آموزش محیط زیست، رهیافتی در حفاظت اصولی از محیط زیست. مجله علوم محیطی، جلد ۸، شماره ۱، صص ۶۴-۵۷.
 - ۸- مکی آبادی، ف.، لشکرآرا، ف. و میردامادی، س. م. (۱۳۹۵). نقش کشاورزی ارگانیک در امنیت غذایی از دیدگاه کارشناسان کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی استان تهران. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱-۱۴.
 - ۹- منتی زاده، م.، زمانی، غ. و غلامرضایی، س. (۱۳۹۴). واکاوی هنجارهای اخلاقی زیست محیطی کشاورزان: مورد مطالعه کشاورزان شهرستان شیراز. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۱، شماره ۲، صص ۶۵-۴۹.
 - ۱۰- منتی زاده، م. و زمانی، غ. (۱۳۹۱). تدوین مدل رفتار زیست محیطی زارعان شهرستان شیراز. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۸، شماره ۲، صص ۷۴-۶۳.
 - ۱۱- نامدار، ر.، پزشکی راد، غ. ر. و صدیقی، ح. (۱۳۹۶). کاربرد تئوری بنیانی در مطالعه رفتار پایدار زیست محیطی کشاورزان؛ یک تحلیل اکتشافی. مجله تحقیقات اقتصاد و
- توسعه کشاورزی ایران. دوره ۲-۴۸، شماره ۴، صص ۶۰۹-۵۹۷.
- 12- Ajzen, I., and Madden, T. (1986). Predictions of Goal-directed Behavior: Attitudes, Intentions and Perceived Behavioral Control. *Journal of Experimental Social Psychology*, 22(5), 453-474.
- 13- Aklilu, N., Adisu, A., Desalegn, K., and Gebreegziabher, A. (2015). Agricultural extension for enhancing productivity and poverty alleviation in small scale irrigation agriculture for sustainable development in Ethiopia African. *Journal of Agricultural Research*, 11(3), 171-183.
- 14- Azkia, M., EmaniJajarmi, H., and FarziZadeh, Z. (2011). Qualitative Research Methods. Utilizing Grounded Theory. Keyhan publication. 4(48): 597-609 (Persian).
- 15- De Anda, A., Conti, V. (2018). Acknowledging the skill needed to succeed. *The Journal of Thoracic and Cardiovascular Surgery*, 156(1), 87-88.
- 16- Diebel, P.L. (2008). Ethics and agriculture: A teaching perspective. *Journal of Agricultural and Resource Economics*, 33 (3), 303-310.
- 17- Englis, B.G., and Phillips, D.M. (2013). Does innovativeness drive environmentally conscious consumer behavior? *Psychology and Marketing*, 30(2), 160-172.
- 18- Gerring, J., and Yesnowitz, J. (2006). A Normative Turn in Political Science? *Polity*, 38(1), 101-133.
- 19- GreenCom (2001). Environmental Education and Communication (EE&C) for Behavior Change. Environmental Education and Communication (GreenCom) Project. Center for Environment in partnership with the Center for Human Capacity Development of the Bureau for Global Programs Academy for Educational Development. Retrieved from: <http://www.usaid.gov/environment/greecom>.
- 20- Kempster, S., and Parry, K. W. (2011). Grounded theory and leadership research: A critical realist perspective. *The Leadership Quarterly*, 22(1), 106-120.
- 21- Klöckner, C. A., and Blöbaum, A. (2010). A comprehensive action determination model: Toward a broader understanding of ecological behavior using the example of travel mode choice. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 574-586.
- 22- Li, M., Fua, Q., Singh, V.P., Ji, Y., Liua, D., Zhang, Ch., Li, T. (2018). An optimal modelling approach for managing agricultural water-Tenergy-food nexus under uncertainty. *Science of the Total Environment*, 651(2). 1416-1434.
- 23- Mas-Tur, A., Pinazo, P., Tur-Porcar, A., Sánchez-Masferrer, M. (2015). What to avoid to succeed as an entrepreneur. *Journal of Business Research*, 68(11), 2279-2284.
- 24- Moeinaldini, J. (2007). Application of regional development policies, Lessons from the experience of developed countries. *Journal of Political Science*, 7(1), 71- 96 [In Persian].
- 25- Moeller, H. G. (2017). Hundun's Mistake: Satire and Sanity in the Zhuangzi. *Philosophy East and*

West, 67(3), 783-800.

26- Namdar, R., Pezeshki rad, Gh., Sedighi, H. (2017). Application of *Grounded Theory* in the Study of Environmental Sustainable Behavior of Farmers; An exploratory analysis. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 2-48(4), 609-597. [In Persian].

27- Rezaei, R., Mianaji, S., and Ganjloo, A. (2018). Factors affecting farmers' intention to engage in on-farm food safety practices in Iran: Extending the theory of planned behavior. *Journal of Rural Studies*, 60(1), 152-166. [In Persian].

28- Richardson, T. (2005). Environmental assessment and planning theory: four short stories about power, multiple rationality, and ethics. *Environmental impact assessment review*, 25(4), 341-365.

29- Roman, D., Osinski, M., Erdmann, R. (2017). *Contaduría y Administración*, 62(3), 985-1000.

30- Rosenhead, J. (2006). Past, present and future of problem structuring methods. *Journal of the Operational Research Society*, 57(7), 760-765.

31- Ruan, J., Zhou, Y. (2019). Regaining normality: A grounded theory study of the illness experiences of Chinese patients living with Crohn's disease. *International Journal of Nursing Studies*, 93(1), 87-96.

32- Schwartz, S. H. (1975). The justice of need and the activation of humanitarian norms. *Journal of Social Issues*, 31(1), 111-136.

33- Struss, A., and Corbin, J. (2009). BiyookMohammadi. Basics of Qualitative Research Grounded Theory, Techniques and Procedures. Tehran, *Research Center of Human Science and Cultural Studies*. (In Persian).

34- Strauss, A., and Corbin, J. (2011). Principles of qualitative research (techniques and stages of production of field theory). Translation by Ibrahim Afshar, Tehran: *Nayer Rey* (In Persian).

35- Swendiman, R. A., Hoffman, D. I., Bruce, A. N., Blinman, T. A., Nance, M. L., and Chou, C. M. (2019). Qualities and methods of highly effective surgical educators: a grounded theory model. *Journal of surgical education*, 76(5), 1293-1302.

36- Wang, Y., Liang, J., Yang, J., Ma, X., Li, X., Wu, J., Yang, G., Ren, G., Feng, Y. (2019). Analysis of the environmental behavior of farmers for non-point source pollution control and management: An integration of the theory of planned behavior and the protection motivation theory. *Journal of Environmental Management*. 237(1), 15-23.

